



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

واژه‌نامه

ستایش: ملکا، ذکر تو گویم

درس یکم: شکرِ نعمت

گنج حکمت: گمان

پویند: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن

و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن

تحفه: هدیه، ارمغان

ثنا: ستایش، سپاس

جزا: پاداش کار نیک

اعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی

إنابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی

انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه

و رودر بایستی نباشد؛ خودمانی شدن

باسق: بلند، بالیده

بنات: ج بنت، دختران

بنان: سرانگشت، انگشت

تاک: درخت انگور، رز

تتمه: باقی‌مانده؛ تتمه دور زمان: مایه تمامی و

کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال دور زمان

رسالت

تخیر: سرگستگی، سرگردانی

تضرع: زاری کردن، التماس کردن

تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن

جسیم: خوش اندام

حلیه: زیور، زینت

خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده

دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد

یا از او پرستاری می‌کند.

ربیع: بهار

روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس

روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد؛

وظیفه روزی: رزق مقرر و معین

جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به

مقام کبریایی او اشاره دارد.

جود: بخشش، سخاوت، کرم

حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست کردار، از نام‌های

خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از

روی دلیل و برهان است و کار بی‌هوده انجام نمی‌دهد.

رحیم: بسیار مهربان از نام‌ها و صفات خداوند

روی: مجازاً امکان، چاره

سرور: شادی، خوشحالی

سزا: سزاوار، شایسته، لایق

شبهه: مانند، مثل، همسان

عز: ارجمندی، گرمی شدن، مقابل دلّ

فضل: بخشش، کرم

کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات

خداوند

ملک: پادشاه، خداوند

نماینده: آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده

وهم: پندار، تصوّر، خیال

یقین: بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و

ثابت شده باشد.

عرفانی، پی بردن به حقایق است.

منسوب: نسبت داده شده

مَنْت: سپاس، شکر، نیکیویی

منکر: زشت، ناپسند

موسم: فصل، هنگام، زمان

ناموس: آبرو، شرافت

نبات: گیاه، رُستنی

نبی: پیغمبر، پیام آور، رسول

نسبیم: خوش بو

واصفان: جِ واصف، وصف کنندگان، ستاینندگان

ورق: برگ

وسیم: دارای نشان پیامبری

وظیفه: مقرری، وجه معاش

درس دوم: مست و هشیار

شعر خوانی: در مکتب حقایق

ادیب: آداب دان، ادب شناس، سخن دان، در متن درس

به معنای معلّم و مربّی است.

افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و

الاغ و ... می بندند.

اکراه: ناخوشایندبودن، ناخوشایند داشتن امری

تزویر: نیرنگ، دورویی، رباکاری

حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم

خمار: می فروش

دار ملک: سرزمین

داروغه: پاسبان و نگهبان، شب گرد

درهم: درم، مسکوک نقره، که در گذشته، به عنوان

پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده

است؛ در متن درس، مطلق پول مورد نظر است.

شفیع: شفاعت کننده، پایمرد

شهد: عسل؛ شاهد فایق: عسل خالص

صفت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر

عاکفان: جِ عاکف، کسانی که در مدّتی معین در مسجد

بمانند و به عبادت پردازند.

عزّ و جَلّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از

ذکر نام خداوند به کار می رود.

عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست

آورند؛ افشیره، شیره

فاحش: آشکار، واضح

فایق: برگزیده، برتر

فراشی: فرش گستر، گسترندۀ فرش

قبا: جامه، جامه ای که از سوی پیش باز است و پس

از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند.

قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن

قسیم: صاحب جمال

کاینات: جِ کاینه، همه موجودات جهان

کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن

مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجّه بنده به

حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم

بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجّه به غیر حق

مزید: افزونی، زیادی

مطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان

او را می برد.

معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در

متن درس، مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت

است.

معترف: اقرار کننده، اعتراف کننده

مفخر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند؛ مایه افتخار

مفرّج: شادی بخش، فرح انگیز

مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح

درس سوم: آزادی
گنج حکمت: خاکریز

اجانب: جِ اجنبی، بیگانگان

احداث شدن: ساخته شدن

استقرار: برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی یا چیزی

در جایی، مستقر شدن

بیت الاحزان: خانهٔ غم‌ها، جای بسیار غم‌انگیز، طبق

روایات نام کلبه‌ای است که حضرت یعقوب علیه السلام

در آن در غم فراقِ یوسف علیه السلام گریه می کرده است.

بیت الحزن: خانهٔ غم، ماتمکده

ثابت قدم: ثابت‌رأی و ثابت عزم، دارای ارادهٔ قوی

سلسله جناب: محرک، آن که دیگران را به کاری

برمی‌انگیزد.

طرف: کناره، کنار

مسلك: روش، طریق

موافق: همراهی و همراه

دینار: واحد پول، سکهٔ طلا که در گذشته رواج داشته است. در متن درس، مطلق پول است؛ وزن و ارزش دینار در دوره‌ها و مناطق مختلف، متفاوت بوده است.

ذوالجلال: خداوند، پروردگار، خداوند صاحب جلال و عظمت

زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد.

صنعت: پیشه، کار، حرفه

صواب: درست، پسندیده، مصلحت

غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن

گرو: دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی

در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود؛ گرو

بردن: مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن و نزد

خود نگه داشتن؛ موفق شدن در مسابقه و به دست

آوردن گرو

محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت

بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام

شرعی بود.

مدام: همیشه، پیوسته، می

مُلک: سرزمین، کشور، مملکت؛ دارِ ملک: دارالملک،

پایتخت

واعظ: پند دهنده، سخنورِ اندرزگو

والی: حاکم، فرمانروا

وجه: ذات، وجود

درس چهارم: درس آزاد (ادبیات بومی ۱)

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس پنجم: دماندیه

روان خوانی: جاسوسی که الاغ بود

آوند: آونگ، آویزان، آویخته

ارغند: خشمگین و قهرآلود

بگسل: پاره کن، جداکن؛ در متن درس: نابود کن

پس افکند: پس افکنده، میراث

زُل زدن: با چشمی ثابت و بی حرکت به چیزی نگاه کردن

ستوران: ج ستور، حیوانات چارپا خاصه اسب، استر و خر

سیریر: تخت پادشاهی، اورنگ

سعد: خوشبختی، متضاد نحس، اختر سعد: سیاره مشتری است که به «سعد اکبر» مشهور است.

سفله: فرومایه، بدسرشت

سالانه سالانه: آرام آرام، به آهستگی

شرزه: خشمگین، غضبناک

ضماد: مرهم، دارو که به جراحت نهند؛ ضماد کردن:

بستن چیزی بر زخم، مرهم نهادن

عامل تخریب: شخصی نظامی که کارش نابود کردن هدف‌های نظامی به وسیله انفجار و کار گذاشتن تله‌های انفجاری است.

عطا دادن: بخشش، بخشیدن

فسرده: یخ زده، منجمد

فغان: ناله و زاری، فریاد

کلوخ: پاره گل خشک شده به صورت سنگ، پاره گل خشک شده به درشتی مُشت یا بزرگ‌تر

کله خود: کلاه خود، کلاه فلزی که در جنگ بر سر می‌گذارند.

گرزه: ویژگی نوعی مار سمی و خطرناک

معجز: سرپوش، روسری

معطل: بیکار، بلا تکلیف؛ معطل کردن: تأخیر کردن،

درنگ کردن

نحس: شوم، بدیمن، بداختر

درس ششم: فی نامه

گنج حکمت: آفتاب جمال حق

اشتیاق: میل قلب است به دیدار محبوب؛ در متن

درس، کشش روح انسان خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی

ایدونک: ایدون که؛ ایدون: این چنین

بدحالان: کسانی که سیر و سلوک آنها به سوی حق، کُند است.

بی‌گاه شدن: فرار سیدن هنگام غروب یا شب

پرده: در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتب، حجاب

تاب: فروغ، پرتو

ترباق: پادزهر، ضد زهر

حریف: دوست، همدم، همراه

برحسب: مطابق، طبق

خوش حالان: رهروان راه حق که از سیر به سوی حق شادمان‌اند.

دستور: اجازه، وزیر

دمساز: مونس، همراز، درد آشنا

سور: جشن

شرحه شرحه: پاره پاره؛ شرحه: پاره گوشتی که از درازا بریده باشند.

شیون: ناله و ماتم، زاری و فریاد که در مصیبت و

محنت برآرند.

درس هشتم: از پاریز تا پاریس

گنج حکمت: سه مَرکب زندگی

اتراق: توقّف چند روزه در سفر به جایی، موقتاً در جایی اقامت گزیدن

استبعاد: دوردانستن، بعیدشمردن چیزی؛ استبعاد داشتن: بعید و دوربودن از تحقّق و وقوع امری

بازبسته: وابسته، پیوسته و مرتبط
پانوراما: پردهٔ نقّاشی که در ساختمانی که سقف مدور دارد، به دیوار سقف بچسبانند؛ چنان که هر کس در آنجا بایستد، گمان کند که افق را در اطراف خود می‌بیند.

تداعی: یادآوری، به‌خاطر آوردن
جزاره: ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار سمّی که دُمش روی زمین کشیده می‌شود.

چریخ آفتاب: طلوع آفتاب، صبح‌زود
چشمگیر: شایان توجه، بارز و مهم
حواله: نوشته‌ای که به موجب آن دریافت‌کننده ملزم به پرداخت پول یا مال به شخص دیگری است.

رواق: بنایی با سقف گنبدی یا به شکل هرم
سرپرزدن: توقّف کوتاه؛ هرگاه مرغی از اوج، یک لحظه بر زمین نشیند و دوباره برخیزد، این توقّف کوتاه را «سرپرزدن» می‌گویند.

سوءهاضمه: بدگواری، دیرهضمی، هرگونه اشکال یا اختلال در هضم غذا که معمولاً با سوزش سردل یا نفخ همراه است.

صباح: بامداد، سپیده‌دم، پگاه
طاق: سقف خمیده و محدّب، سقف قوسی شکل که با آجر بر روی اطاق یا جایی دیگر سازند؛ طاق ضربی:

ظن: گمان، پندار

مستغرق: مجذوب، شیفته؛ مستغرق‌گشتن: حیران و شیفته شدن

مستمع: شنونده، گوش‌دارنده

مستور: پوشیده، پنهان
نفیر: فریاد و زاری به صدای بلند

درس هفتم: در حقیقت عشق شعر خوانی: صبح ستاره باران

بزم: محفل، ضیافت
بی‌خودی: بی‌هوشی، حالت از خودرستگی و به معشوق پیوستن

جسمانی: منسوب به جسم، مقابل روحانی
جمال: زیبایی، زیبایی ازلی خداوند
حُسن: نیکویی، زیبایی

روحانی: منسوب به روح، معنوی، ملکوتی، آنچه از مقولهٔ روح و جان باشد.
سامان: درخور، میسر، امکان

سودا: خیال، دیوانگی
شیدایی: دیوانگی
فرض: لازم، ضروری، آنچه خداوند بر بندگانش واجب کرده است.

کمال: کامل‌بودن، کامل‌ترین و بهترین صورت و حالت هر چیز، سرآمد بودن در داشتن صفت‌های خوب

محب: دوستدار، یار، عاشق
مّمات: مرگ، مُردن
نغمه: نوا، ترانه، سرود

طاق احداث شده بین دهانه دو تیر آهن که آن را با آجر و ملاط گچ می سازند.

طَبَق: سینی گرد بزرگ و معمولاً چوبی، مخصوص نگه داری یا حمل اشیا که بیشتر آن را بر سر می گذارند.

طبلسان: نوعی ردا

عجین آمدن: عجین شدن، آمیخته شدن یا ترکیب شدن دو یا چند چیز

غایت القصوی: حدّ نهایی چیزی، کمال مطلوب

فرخنده پی: خوش قدم، نیک پی، خوش یمن

فرسخ: فرسنگ، واحد اندازه گیری مسافت تقریباً معادل شش کیلومتر

کازیه: جا کاغذی، جعبه چوبی یا فلزی روباز که برای قرار دادن کاغذ، پرونده یا نامه ها روی میز قرار می دهند.

کی: پادشاه، هر یک از پادشاهان سلسله کیان

کیانی: منسوب به کیان؛ کیان؛ کی ها، هر یک از پادشاهان داستانی ایران از کی قباد تا دارا

مار غاشیبه: ماری بسیار خطرناک در دوزخ؛

غاشیبه: سوره ای از قرآن، یکی از نام های قیامت

مستعجل: زودگذر، شتابنده

مغان: موبدان زرتشتی؛ در ادبیات عرفانی، عارف کامل و مرشد را گویند.

مَرکب: اسب، آنچه بر آن سوار شوند.

نَمَط: بساط شطرنج

درس نهم: کویر

روان خوانی: بوی جوی مولیان

آستانه: آستان، آغاز

ابدیت: جاودانگی، پایداری، بی کرانگی

ارادت: میل و خواست، اخلاص، علاقه و محبت

همراه با احترام

استشمام: بویدن

اسرا: در شب سیر کردن، هفدهمین سوره قرآن کریم

اندوه گسار: غم گسار، غمخوار

انگاره: طرح، نقشه

اهورایی: ایزدی، خدایی، منسوب به اهورا

ایل: گروهی از مردم هم نژاد که فرهنگ و اقتصاد

مشترک دارند و معمولاً به صورت چادرنشینی زندگی

می کنند؛ ایل و تبار: خانواده و نژاد و اجداد

بطالت: بیکاری، بیهودگی، کاهلی

بَن: درختی خودرو و وحشی که در برخی نقاط

کوهستانی ایران می روید، پسته وحشی

پرنیان: پارچه ابریشمی دارای نقش و نگار، نوعی حریر

تعبیر: بیان کردن، شرح دادن، بازگویی

تفرّجگاه: گردشگاه، جای تفرّج، تماشاگاه

تلقی: دریافت، نگرش، تعبیر

تموز: ماه دهم از سال رومیان، تقریباً مطابق با تیرماه

سال شمسی؛ ماه گرم

حکمت: فلسفه، به ویژه فلسفه اسلامی

دلاویز: پسندیده، خوب، زیبا

سَموم: باد بسیار گرم و زیان رساننده

شیدر: گیاهی علفی و یکساله؛ شیدر دوچین: شیدری

که قابلیت آن را دارد، دو بار پس از رویدن چیده شده باشد.

شیهه: صدا و آواز اسب

طفیلی: منسوب به طفیل، وابسته، آن که وجودش

یا حضورش در جایی، وابسته به وجود کس یا چیز

دیگری است؛ میهمان ناخوانده

عدلیه: دادگستری

غرفه: بالاخانه، هر یک از اتاق های کوچکی که

در بالای اطراف سالن یا یک محوطه می‌سازند که مشرف بر محوطه است.

فقه: علم احکام شرعیه، علمی است که از فروع عملی احکام شرع بحث می‌کند. مبنای این علم بر استنباط احکام است از کتاب و سنت و به سبب همین استنباط، محلّ اجتهاد است.

قاش: قاج، قسمت برآمده جلوی زین؛ کوهه زین
قدس: پاک، صفا، قداست

قندیل: چراغ یا چهل چراغی که می‌آویزند.

کمانه: نام کوهی در منطقه ونک از توابع شهرستان سمیرم استان اصفهان

کَهر: اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره است.
کُزند: اسبی که رنگ آن میان زرد و بور باشد.

گرمسیر: منطقه‌ای که تابستان‌های بسیار گرم و زمستان‌های معتدل دارد؛ مقابل سردسیر

ماورا: فراسو، آن سو، ماسوا، برتر

ماوراءالطبیعه: آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده باشد؛ مانند خداوند، روح و مانند آنها

مباهات: افتخار، سرافرازی

مدرس: محلی که در آن تدریس کنند؛ موضع درس گفتن

مشایعت: همراهی کردن، بدرقه کردن

معلق: آویزان، آویخته شده

نشئه: حالت سرخوشی، کیفوری، سرمستی

نظاره: تماشا کردن، نگاه، نگریستن

یغما: غارت، تاراج؛ به یغمارفتن؛ غارت شدن

درس دهم: فصل شکوفایی

گنج حکمت: تیرانا!

چشمداشت: انتظار و توقّع امری از چیزی یا کسی؛ چشم‌داشتن: منتظر دریافت پاداش یا مزد بودن

داعیه: ادّعا

زخمه: ضربه، ضربه زدن

گشاده دستی: بخشندگی، سخاوت

درس یازدهم: آن شب عزیز

شعر خوانی: شکوه چشمان تو

بی‌حفاظ: بدون حصار و نرده؛ آنچه اطراف آن را حصار نگرفته باشد.

تشر: سخنی که همراه با خشم، خشونت و اعتراض است و معمولاً به قصد ترساندن و تهدیدکردن کسی گفته می‌شود.

پگاه: صبح زود، هنگام سحر

تعئل: عذر و دلیل آوردن، به تعویق انداختن چیزی یا انجام کاری، درنگ، اهمال کردن

جنانق: جناغ، استخوان پهن و دراز در جلو قفسه سینه

حزین: غم‌انگیز

حمایل: نگه‌دارنده، محافظ؛ حمایل کردن: محافظ قراردادن چیزی برای چیز دیگر

حیثیت: آبرو؛ ارزش و اعتبار اجتماعی که باعث سربلندی و خوش‌نامی شخص می‌شود.

خشاب: جعبه فلزی مخزن گلوله که به اسلحه وصل می‌شود و گلوله‌ها پی‌درپی از آن وارد لوله سلاح می‌شود.

دنچ: ویژگی جای خلوت و آرام و بدون رفت‌وآمد

دیباچه: آغاز و مقدمه هر نوشته

روضه: آنچه در مراسم سوگواری اهل بیت پیغمبر علیهم‌السلام و به ویژه در مراسم سوگواری امام حسین علیه‌السلام خوانده

برزخ: حدّ فاصل میان دو چیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت یا دوزخ، فاصله بین دنیا و آخرت

می‌شود؛ ذکر مصیبت و نوحه‌سرایی

شامه: حس بویایی

شبح: آنچه به صورت سیاهی به نظر می‌آید، سایهٔ موهوم از کسی یا چیزی

شرف: بزرگواری، حرمت و اعتباری که از رعایت کردن ارزش‌های اخلاقی به‌وجود می‌آید.

طفره‌رفتن: خودداری کردن از انجام کاری از روی قصد و با بهانه آوردن، به ویژه خودداری کردن از پاسخ صریح‌دادن به سؤالی یا کشاندن موضوع به موضوعات دیگر

کلافه: بی‌تاب و ناراحت به علت قرارگرفتن در وضع آزاردهنده

گردان: واحد نظامی که معمولاً شامل سه گروهان است.

متقاعد: مُجاب‌شده، مجاب، قانع شده؛ متقاعدکردن:

مجاب کردن، وادار به قبول امری کردن

مجسم: به‌صورت جسم درآمده، تجسم‌یافته

محضر: دفترخانه، دادگاه

مُسلِم: پیرو دین اسلام

مُصر: اصرارکننده، پافشاری‌کننده

مَعْبَر: محل عبور، گذرگاه

اندیشه: اندوه، ترس، اضطراب، فکر

ایمن: در امن، دل آسوده

بریان: در لغت کباب‌شده و پخته‌شده بر آتش، مجازاً ناراحت و مضطرب؛ بریان‌شدن: غمگین و ناراحت شدن، در سوز و گداز بودن

پُرمایه: گران‌مایه، پرشکوه؛ مایه: قدرت، توانایی

تازی: اسبی از نژاد عربی با گردن کشیده و پاهای باریک

تپش: اضطراب ناشی از گرمی و حرارت، گرمی و حرارت

تطاول: ستم و تعدی، به زور به چیزی دست پیدا کردن

تعصب: طرفداری یا دشمنی بیش از حد نسبت به شخص، گروه یا امری؛ به تعصب: به حمایت و جانب‌داری

حَسَم: خدمتکاران، خویشان و زیردستان فرمانروا

حلقه به گوش: کنایه از فرمانبردار و مطیع

خَسْتَن: زخمی کردن، مجروح کردن

خود: کلاه‌خود

خیره‌سر: گستاخ و بی‌شرم، لجوج

دستور: وزیر، مشاور

زوال: نابودی، از بین رفتن

سبوع: کوزه، ظرف معمولاً دسته‌دار از سفال یا جنس دیگر برای حمل یا نگاه‌داشتن مایعات

سپردن: طی کردن، پیمودن

سمن: نوعی درخت گل، یاسمن

شیب‌خون: حمله ناگهانی دشمن در شب

طرح افکندن: کنایه از بنانهادن؛ طرح ظلم افکندن:

سبب پیدایش و گسترش ظلم شدن، بنیان ظلم نهادن

عَجَم: سرزمینی که ساکنان آن غیرعرب، به‌ویژه

درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش

گنج حکمت: به جوانمردی کوش

آزم: شرم، حیا

ارتفاع: محصول زمین‌های زراعتی؛ ارتفاع ولایت:

عایدات و درآمدهای مملکت

ایرانی باشند؛ ایران؛ ملوک عجم؛ پادشاهان ایران

عفاف: رعایت اصول اخلاقی، پرهیزکاری، پارسایی

غربت: غربی، دوری از خانمان

فرهیختگی: فرهیخته بودن، فرهیخته: برخوردار از

سطح والایی از دانش، معرفت یا فرهنگ

فریادرس: یاور، دستگیر

کُربت: غم، اندوه؛ کُربت جور: اندوه حاصل از ظلم

و ستم

مقررشدن: قرارگرفتن، ثبات و دوام یافتن

مکاید: چ مکیده یا مکیدت؛ کیدها، مکرها، حيله‌ها

مَلِک: پادشاه، سلطان

موبد: روحانی زرتشتی، مجازاً مشاور

نقصان: کم شدن، کاهش یافتن

نمازبردن: تعظیم کردن، عمل سر فرودآوردن در

مقابل کسی برای تعظیم

نواختن: کسی را با گفتن سخنان محبت آمیز یا

بخشیدن چیزی مورد محبت قرار دادن

نیک پی: خوش قدم

نیک دهش: نیک کننده

ولایت: کشور، سرزمین

هوشیوار: هوشیار، هوشیارانه، آگاهانه

هیون: شتر، به ویژه شتر قوی هیکل و درشت اندام

درس سیزدهم: خوان هشتم

شعر خوانی: ای میهن!

تنیده: درهم بافته

زَجَز: شعری که در میدان جنگ برای مفاخره می خوانند.

زخم کاری: ضربه مؤثر یا زخمی که موجب مرگ

می شود.

سورت: تندى و تیزی، حدت و شدت

ضجّه: ناله و فریاد با صدای بلند، شیون

طاق: فرد، یکتا، بی همتا

عماد: تکیه گاه، نگاه دارنده؛ آنچه بتوان بر آن (او)

تکیه کرد.

عیار: ابزار و مبنای سنجش، معیار

مرادف: مترادف، هم‌ردیف

مرتعش: دارای ارتعاش، لرزنده

منتشا: نوعی عصا که از چوب گره دار ساخته می شود

و معمولاً درویشان و قلندران به دست می گیرند؛

برگرفته از نام «منتشا» (شهری در آسیای صغیر)

ناورد: نبرد

هریوه: هروی، منسوب به هرات (شهری در افغانستان)

هول: وحشت انگیز، ترسناک

درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ

گنج حکمت: کلان تر و اولی تر!

استغنا: بی نیازی؛ در اصطلاح، بی نیازی سالک از

هر چیز جز خدا

اعانت: یاری دادن، یاری

افسرده: منجمد، سرمازده

اکناف: چ کَنَف، اطراف، کناره‌ها

اولی: شایسته؛ اولی تر: شایسته تر (با آنکه «اولی»

خود صفت تفضیلی است؛ در گذشته به آن «تر»

افزوده‌اند.)

تجربید: در لغت به معنای تنهایی گزیدن؛ ترک

گناهان و اعراض از امور دنیوی و تقرب به خداوند؛

در اصطلاح تصوف، خالی شدن قلب سالک از آنچه

جز خداست.

تَعَب: رنج و سختی

درس پانزدهم: درس آزاد (ادبیات بومی ۲)

تفرید: دل خود را متوجه حق کردن، دل از علایق بریدن و خواست خود را فدای خواست ازلی کردن، فردشمردن و یگانه دانستن خدا؛ تفرید را عطار در معنی گم شدن عارف در معروف به کار می برد؛ یعنی وقتی که در توحید غرق شد، آگاهی از این گمشدگی را گم کند و به فراموشی سپارد.

دعوی: ادعا، ادعای خواستن یا داشتن چیزی؛ معنی و دعوی دو مفهوم متقابل و متضادند. معنی، حقیقتی است که نیاز به اثبات ندارد و دعوی لافی است تهی از معنی.

زاد: توشه، خوردنی و آشامیدنی که در سفر همراه می برند.

سروش: پیام آور، فرشته پیام آور

شگرف: قوی، نیرومند

شیدا: عاشق، دلدا

صدر: طرف بالای مجلس، جایی از اتاق و مانند آن که برای نشستن بزرگان مجلس اختصاص می یابد؛ مجازاً ارزش و اعتبار

کلان: دارای سن بیشتر

گرمرو: مشتاق، به شتاب رنده و چالاک، کوشا

گرده: قرص نان، نوعی نان

مخاصمت: دشمنی، خصومت

مصاحبت: هم نشینی، هم صحبت داشتن

مقالات: ج مقال، گفتارها، سخنان

وادی: سرزمین، در متن درس مجازاً در معنای «بیابان» کاربرد دارد.

درس شانزدهم: کباب غاز

روان خوانی: ارمیا

آزگار: زمانی دراز؛ ویژگی آنچه بلند و طولانی به نظر می آید.

آسمان جل: کنایه از فقیر، بی چیز، بی خانمان؛ جل: پوشش به معنای مطلق

استشاره: رای زنی، مشورت، نظرخواهی

استیصال: ناچاری، درماندگی

اطوار: رفتار و یا سخنی ناخوشایند و ناهنجار

اعلا: برتر، ممتاز، نفیس، برگزیده از هر چیز

امتناع: خودداری، سر باز زدن از انجام کاری یا قبول کردن سخنی

انضمام: ضمیمه کردن؛ به انضمام؛ به ضمیمه، به همراه



بادی: آغاز (در اصل به معنی آغازکننده است)

بحبوحه: میان، وسط

بدقواره: آن که یا آنچه ظاهری زشت و نامتناسب

دارد؛ بد ترکیب

بذله: شوخی، لطیفه

برجک: سازهٔ چرخانی که روی تانک قرار دارد و به

کمک آن می‌توان جهت شلیک توپ را تغییر داد.

بقولات: انواع دانه‌های خوراکی بعضی گیاهان

مانند نخود و عدس، حبوبات

بلامعارض: بی‌رقیب

بَلَعْتُ: فرو بردم، بلعیدم؛ صرف کردنِ صیغهُ

بَلَعْتُ: خوردن

پایِ شدن: در امری اصرار ورزیدن

پتیاره: زشت و ترسناک

پرت‌ویلا: بیهوده، بی‌معنی؛ به این نوع ترکیب‌ها

که در آنها لفظ دوم، اغلب بی‌معنی است و برای

تأکید لفظ اول می‌آید، «مرکبِ اِتباعی» یا «اِتباع»

می‌گویند.

ترفیع: ارتقا یافتن، رتبه گرفتن

تصدیق: تأیید کردنِ درستی حرف یا عملی، گواهی

دادن به صحت امری

تصنّعی: ساختگی

تک‌وپوز: تک‌وپوز، به طنز، ظاهر شخص به‌ویژه

سروصورت

تنبوشه: لولهٔ سفالین یا سیمانی کوتاه که در زیرخاک

یا میان دیوار می‌گذارند تا آب از آن عبور کند.

تبربار: سلاح خودکار آتشین، سنگین تر و بزرگ‌تر

از مسلسلِ دستی که به وسیلهٔ نوار فشنگ تغذیه

می‌شود؛ مسلسلِ سنگین

جبهه: پیشانی

جیر: نوعی چرم دباغی شده با سطح نرم و پرزدار

که در تهیهٔ لباس، کفش، کیف و مانند آنها به کار

می‌رود.

چلمن: آن که زودفرب می‌خورد، هالو؛ بی‌عرضه،

دست‌وپاچلفتی

حَضَار: آنان که در جایی یا مجلسی حضور دارند؛

حاضران

حلقوم: حلق و گلو

خرت‌وپرت: مجموعه‌ای از اشیاء، وسایل و خرده‌ریزهای

کم‌ارزش

خرخره: گلو، حلقوم

خورد رفتن: ساییده شدن و از بین رفتن

خمیره: ظرفی به شکل خُم و کوچک‌تر از آن

خفایا: ج خفیه، مخفیگاه؛ در خفایای ذهن: در

جاهای پنهان ذهن

خوش‌مشربی: خوش‌مشرب بودن؛ خوش‌معاشرتی

و خوش‌صحبتی

درزی: خیاط

دوری: بشقاب گردِ بزرگ معمولاً با لبهٔ کوتاه

دیلاق: دراز و لاغر

سرسرا: محوطه‌ای سقف‌دار در داخل خانه‌ها که

در ورودی ساختمان به آن باز می‌شود و از آنجا به

اتاق‌ها یا قسمت‌های دیگر می‌روند. (امروزه سرسرا

را فرهنگستان به جای واژهٔ بیگانهٔ «هال» و همچنین

واژهٔ بیگانهٔ «لایی» به تصویب رسانده است)

سکندری: حالت انسان که بر اثر برخورد با مانع،

کنترل خود را از دست بدهد و ممکن است به زمین

بیفتد؛ سکندری خوردن: حالت سکندری برای کسی

پیش‌آمدن

شبان: چوپان

شخیص: بزرگ و ارجمند

شرفیاب شدن: آمدن به نزد شخص محترم و عالی قدر،

به حضور شخص محترمی رسیدن

شش دانگ: به طور کامل، تمام

شکوم: شگون؛ میمنت، خجستگی، چیزی را به فال نیک گرفتن

شیء عَجَاب: اشاره به آیه «إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ».

(سوره ص/ آیه ۵)؛ معمولاً برای اشاره به امری شگفت به کار می رود.

صله ارحام: به دیدار خویشاوندان رفتن و از آنان احوالپرسی کردن

عاریه: آنچه به امانت بگیرند و پس از رفع نیاز آن را پس دهند.

علامه: آن که درباره رشته‌ای از معارف بشری دانش و آگاهی بسیار دارد.

غلیان: جوشش عواطف و احساسات، شدت هیجان عاطفی

قطعه بعد آخری: تکه‌ای بعد از تکه دیگر

کاهدان: انبار کاه

کأن لم یکی شیناً مذکوراً: بخشی از آیه اول سوره دهر است به معنی «چیزی قابل ذکر نبود»؛ در این داستان یعنی تمام خوراکی‌ها سر به نیست شد.

کباده: وسیله‌ای کمانی شکل در زورخانه از جنس آهن که در یک طرف آن رشته‌ای از زنجیر یا حلقه‌های آهنی متعده قرار دارد؛ کباده چیزی را کشیدن؛ ادعای چیزی داشتن، خواستار چیزی بودن
کتل: پشته، تپه

کلاشینکف: سلاحی در انواع خودکار و نیمه خودکار، دارای دستگاه نشانه‌روی مکانیکی و دو نوع قنداق ثابت و تاشو؛ برگرفته از نام اسلحه‌ساز روسی.

کلک: آتشدانی از فلز یا سفال؛ کلک چیزی را کندن؛ خوردن یا نابود کردن چیزی

کنده: تنه بریده شده درخت که شاخ و برگ آن

قطع شده است؛ هیزم

لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ای باریک

ماسیدن: کنایه از به انجام رسیدن، به ثمر رسیدن
ما بتعلق به: آنچه بدان وابسته است.

مایحتوی: آنچه درون چیزی است.

متفرعات: شاخه‌ها، شعبه‌ها (در متن به معنی متعلقات به کار رفته است)

متکلم وحده: آن که در جمعی تنها کسی باشد که سخن می گوید.

مجلس آرا: آن که با حضور خود سبب رونق مجلس و شادی یا سرگرمی حاضران آن می شود؛ بزم آرا

محظور: مانع و مجازاً گرفتاری و مشکل؛ در محظور گیر کردن؛ گرفتاری پیدا کردن، در مقابل امر ناخوشایند قرار گرفتن (املائی این واژه به صورت محظور نیز آمده است)

محظوظ: بهره‌ور

مخلفات: چیزهایی که به یک ماده خوردنی اضافه می شود یا به عنوان چاشنی و مزه در کنار آن قرار می گیرد.

مضغ: جویدن

معهود: عهدشده، شناخته شده، معمول

معوج: کج

نامعقول: آنچه از روی عقل نیست؛ برخلاف عقل
واترقیدن: تنزل کردن، پس روی کردن

وجنات: صورت، چهره

ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می دهند.
هم قطار: هر یک از دو یا چند نفری که از نظر درجه، رتبه و یا موقعیت اجتماعی در یک ردیف هستند.

هویدا: روشن، آشکار

درس هفدهم: خنده تو

گنج حکمت: مسافر

متنبه شدن: به زشتی عمل خود پی بردن و پندگرفتن

مخيله: خیال، قوه تخیل، ذهن

معمر: سالخورده

اخته: بیرون کشیده، برکشیده

دستاورد: نتیجه، پیامد، حاصل آنچه با تلاش به دست

آید.

ذی حیات: دارای حیات، زنده، جاندار

سرحد: مرز، کرانه

غایی: منسوب به غایت، نهایی

نیایش: لطف تو

افسرده: بی بهره از معنویت، بی ذوق و حال

جبین: پیشانی

روایی: ارزش، اعتبار

درس هجدهم: عشق جاودانی

روان خوانی: آخرین درس

ابهت: بزرگی و شکوه که سبب احترام یا ترس

دیگران می شود.

اعلان: آشکار کردن چیزی و باخبر ساختن مردم از

آن

اهتمام: کوشش، سعی، همت گماشتن؛ اهتمام ورزیدن

در کاری؛ همت گماشتن به انجام دادن آن

بیشه: زمینی که در آن به طور طبیعی گیاهان

خودرو و درخت روئیده باشد.

تسکین: آرامش، آرام کردن

تناور: دارای پیکر بزرگ و قوی

جلی: ویژگی خطی که درشت و واضح باشد و از

دور دیده شود.

سجایا: ج سجیه، خواها، خلقی ها و خصلت ها

صحیفه: کتاب

عتاب: سرزنش، ملامت، تندی

غرس: نشاندن و کاشتن درخت و گیاه

کتابت: نوشتن، تحریر، خوشنویسی

کفایت: کافی، بسنده

دای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

کتابنامه

- ابتهاج، هوشنگ (۱۳۹۴)، راهی و آهی (مجموعه هفت دفتر شعر)، تهران: نشر سخن، چاپ پنجم.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۵)، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ابواسحاق ابراهیم بن منصور ابن خلف نیشابوری (۱۳۸۲)، قصص الایبیا، تهران: چاپ سوم.
- اخوان، مهدی، (م. امید) (۱۳۶۹)، گزینہ اشعار، تهران: مروارید.
- اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۸۹)، ویس و رامین، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: هیرمند.
- اسیری لاهیجی، شمس‌الدین محمد (۱۳۵۷)، دیوان اشعار و رسائل، به اهتمام برات زنجانی، تهران: امیرکبیر.
- اعتصامی، پروین (۱۳۸۷)، دیوان اشعار، با مقدمه و تنظیم و شرح لغات: شهرام رجب زاده. تهران: انتشارات قدیانی، چاپ دوم.
- اقبال لاهوری، محمد (۱۳۸۹)، کلیات اقبال لاهوری، با مقدمه علی شریعتی و جاوید اقبال، به کوشش عبدالله اکبریان راد، تهران: انتشارات الهام.
- امیرخانی، رضا (۱۳۹۵)، ارمیا (ادبیات امروز)، تهران: افق، چاپ بیست و هشتم.
- امین‌پور، قیصر (۱۳۹۶)، مجموعه کامل اشعار، تهران: مروارید، چاپ سیزدهم.
- انوری ایبوردی، اوحدالدین، دیوان اشعار (۱۳۶۴)، تصحیح سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- انوری، حسن (به سرپرستی دکتر حسن انوری)، (۱۳۸۱)، فرهنگ سخن، دوره هشت جلدی، تهران: سخن.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۴)، از پاریز تا پاریس، تهران: نشر علم، چاپ یازدهم.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۹۱)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بهار، محمدتقی ملک‌الشعرا (۱۳۸۰)، دیوان اشعار بهار، بر اساس نسخه چاپ ۱۳۴۴، دوره دو جلدی، به اهتمام چهرزاد بهار، تهران: انتشارات نگاه، چاپ دوم.
- بنیاد پژوهش‌های اسلامی (۱۳۷۲)، فرهنگنامه قرآنی، با نظارت دکتر محمد جعفر یاحقی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- بهجت تبریزی، سید محمدحسین (۱۳۸۷)، دیوان شهریار، دوره دو جلدی، تهران: انتشارات نگاه، چاپ سی و سوم.
- بهمن بیگی، محمد (۱۳۸۹)، بخارای من ایل من، شیراز: نوید شیراز، چاپ اول.
- بهمنی، محمد علی (۱۳۹۵)، مجموعه اشعار، تهران: انتشارات نگاه، چاپ سوم.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۸۷)، کلیات دیوان بیدل، دوره دو جلدی، بر اساس نسخه محمد خسته و خلیل الله خلیلی با ویراست نو و تعلیقات فرید مرادی، تهران: زوآر.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷)، دیوان حافظ (آینة جام)، تصحیح محمد فروزینی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
- حمیدی، مهدی (۱۳۴۲)، دریای گوهر، دوره دو جلدی، تهران: امیرکبیر.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۸۲)، دیوان خاقانی شروانی، مقاله و تصحیح و مقدمه و تعلیقات: ضیاء‌الدین سجادی. تهران: زوآر، چاپ هفتم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رحمانی، محمدرضا (معروف به مهرداد اوستا) (۱۳۸۹)، تیرانه، تهران: انتشارات انجمن قلم ایران.
- زیب‌النساء، بیگم (۱۳۸۱)، دیوان زیب‌النساء، صدیقیان، مهین دخت، تهران: امیرکبیر.
- رازی، نجم‌الدین (۱۳۵۲) مرصادالعباد، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب.

- سپهری، سهراب (۱۳۸۷)، هشت کتاب، تهران: طهوری، چاپ چهل و هفتم.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین عبدالله (۱۳۷۹)، بوستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، چاپ ششم.
- _____ (۱۳۷۲)، گلستان سعدی، به تصحیح و حواشی غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۶۲)، کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران: امیر کبیر، چاپ سوم.
- سلمانی لطف‌آبادی، عیسی (۱۳۸۸)، روایت سنگ‌سازان ۴، نشر قلمرو فرهنگ.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد (۱۳۸۸)، دیوان اشعار، با مقدمه و حواشی و فهرست و اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، تهران: سنایی، چاپ هفتم.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۶۶)، مونس العشاق، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: انتشارات مولی.
- شجاعی، سید مهدی (۱۳۸۳)، ساتن‌ماریا (مجموعه داستان)، تهران: انتشارات کتاب نیستان، چاپ پنجم.
- شریعتی، علی (۱۳۹۶)، کویر (مجموعه آثار)، مشهد: سپیده باوران، چاپ نهم.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶)، آینه‌ای برای صداها (مجموعه هفت دفتر شعر)، تهران: انتشارات علمی.
- شکسپیر، ویلیام (۱۳۹۶)، غزلواره‌ها، ترجمه و تفسیر امید طیب‌زاده، تهران: نیلوفر.
- شمسیا، سیروس (۱۳۸۷)، بیان، تهران: نشر میترا، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۹۱)، معانی، تهران: نشر میترا، چاپ سوم.
- صائب تبریزی (۱۳۷۴)، دیوان اشعار، دوره دو جلدی، به اهتمام جهانگیر منصور، تهران: نگاه.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۶۹)، در پیشواز صلح، تهران: انتشارات هنر بیداری، چاپ دوم.
- ظهیری سمرقندی، محمدبن علی (۱۳۹۲)، سندبادنامه، با تصحیح سید محمد باقر کمال‌الدینی، تهران: میراث مکتوب.
- عابدی، کامیار (۱۳۷۷)، در زلال شعر (هفتاد سال زندگی و شعر هوشنگ ابتهاج)، تهران: نشر ثالث.
- عرب‌لو، احمد (۱۳۹۶)، قصه شیرین فرهاد، تهران: انتشارات مدرسه.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۹۱)، تذکره الاولیاء، به اهتمام محمد استعلامی، تهران: انتشارات زوار، چاپ بیست و سوم.
- _____ (۱۳۶۸)، منطق الطیر، تصحیح سید صادق گوهرین، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم.
- عراقی، فخرالدین (۱۳۸۲)، کلیات شعر، به کوشش سعید نفیسی، تهران: نشر زوار، چاپ دوم.
- عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد (۱۳۷۳)، تمهیدات به تصحیح عقیق‌عسیران، انتشارات منوچهری، چاپ چهارم.
- فاریابی، ظهیر (۱۳۸۱)، دیوان اشعار، تصحیح و تحقیق و توضیح امیرحسین یزدگردی به اهتمام اصغر دادبه، نشر قطره.
- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ (۱۳۹۳)، دیوان حکیم فرخی سیستانی، با مقدمه و حواشی و تعلیقات و مقابله با نسخ معتبر، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار.
- فرخی یزدی، محمد (۱۳۷۸)، دیوان اشعار، به کوشش حسین مسرت، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان یزد، فردوسی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۶)، شاهنامه، بر اساس نسخه نه جلدی چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره، چاپ چهارم.

- فروغی بسطامی، عباس (۱۳۸۸)، دیوان کامل فروغی بسطامی، با مقدمه رضا قلی بن محمد هادی هدایت و دیگران، تهران: سایه گستر.
- فزوه، علیرضا (۱۳۸۴)، روایت چهاردهم (مجموعه اشعار برگزیده چهاردهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس)، تهران: لوح زرین و صریح.
- قهرمان، محمد (۱۳۷۸)، صیادان معنی (برگزیده اشعار سخن سرایان شیوه هندی)، تهران: امیر کبیر.
- کسرابی، سیاوش (۱۳۸۶)، از آوا تا هوای آفتاب، تهران: نشر کتاب ناد.
- گروه مؤلفان (۹۳-۹۲)، کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- محمدی، حسنعلی (۱۳۸۹)، از بهار تا شهریار، تهران: فرتاب، چاپ پنجم.
- مشیری، فریدون (۱۳۹۴)، بازتاب نفس صبحدمان (کلیات اشعار)، دو جلدی. تهران: نشر چشمه.
- معیری، محمد حسن (۱۳۸۸)، دیوان کامل اشعار (سایه عمر، ازاده)، تهران: شقایق، چاپ سوم.
- معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی معین (شش جلدی)، تهران: امیر کبیر، چاپ هفتم.
- منزوی، حسین (۱۳۹۱)، مجموعه اشعار، به اهتمام محمد فتحی، تهران: انتشارات نگاه.
- منشی، نصرالله (۱۳۶۲)، کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۳)، کلیات دیوان شمس، مطابق نسخه تصحیح استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، دوره دو جلدی تهران: انتشارات بهزاد، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۹۳)، مثنوی معنوی، آخرین تصحیح رینولد نیکلسون و مقابله با نسخه قونیه، دوره چهار جلدی، تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۷۵) فیه ما فیه، مقدمه و تصحیح حسین حیدرخانی (مشتاقلی)، تهران: سنایی.
- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۶۵)، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- نظام‌الملک توسی، ابوعلی حسن (۱۳۶۵)، سیاست‌نامه، با توضیح جعفر شعار، تهران: نشر بنیاد.
- نرودا، پاپلو (۱۳۹۴)، شعرهای عاشقانه (هوا را از من بگیر اما خنده‌ات را نه)، ترجمه احمد پوری و با ویراستاری کاظم فرهادی، تهران: چشمه، چاپ بیست و ششم.
- نظامی گنجوی (۱۳۸۳)، خمسه نظامی، بر اساس نسخه سعدلو و مقابله با نسخه آکادمی شوروی با تصحیح وحید دستگردی، تصحیح سامیه بصیر مذهبی، بازنگری بهاء‌الدین خزمشاهی، تهران: انتشارات دوستان.
- نظری، فاضل (۱۳۹۴)، گزینة اشعار، تهران: مروارید.
- وحشی بافقی، کمال‌الدین (۱۳۷۴)، دیوان وحشی بافقی، به کوشش پرویز بابایی، تهران: نگاه، چاپ دوم.
- وفایی، عباسعلی (۱۳۹۰)، دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات سخن.
- _____ (۱۳۹۲)، دستور توصیفی، بر اساس واحدهای زبان فارسی، تهران: انتشارات سخن.
- هاتف اصفهانی، احمد (۱۳۹۳)، دیوان هاتف اصفهانی، به اهتمام عباس یزدی، تهران: فرهنگ دانشجو.
- هراتی، سلمان (۱۳۸۷)، مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، تهران: دفتر شعر جوان، چاپ سوم.